

A Descriptive-Analytical Bibliography of "Akhbar al-Duwal al-Abbasiyah"

✉ **Mohammad Abdol-Maliki**  / Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Medicine, Kurdistan University of Medical Sciences mohamadtarik86@yahoo.com
Abbas Rahbari / Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Tehran Farhangian University abbasrahbari45@gmail.com

Received: 2023/11/02 - **Accepted:** 2024/10/15

Abstract

The book "Akhbar al-Duwal al-'Abbasiyah" is an important work by an unknown author written about the Abbasids. Mentioning the virtues of Abdullah ibn Abbas, Ali ibn Abdullah, Muhammad ibn Ali, and Ibrahim Imam constitute the main topics of this book. This research tries to examine the contents of the book, the context, the atmosphere and the conditions that were the author's motivation and purpose in writing this work. This research is based on the hypothesis that the influence of the Turks in the Abbasid Caliphate system led to a decrease in the political authority and respect for the Abbasid Caliphs among the people, especially the Divanians (officials). The author of this work most likely wrote his work with the motive of legitimizing the Abbasid Caliphate in the public mind, especially among independent and semi-independent states and Divanians. To achieve this goal, he has narrated and recorded narrations about the virtues of the Abbasid leaders and Imams during the period of invitation. Stating narrations about the virtues of the Abbasid leaders during the period of invitation and the author's refusal to state the internal conflicts of the claimants during this period prove this claim.

Keywords: Caliphate, Abbasids, legitimacy, politics, Akhbar al-Duwal al-Abbasiyah, Abdullah ibn Abbas.

کتابشناسی توصیفی – تحلیلی «أخبار الدولة العباسیه»

mohamadtarik86@yahoo.com

abbasrahbari45@gmail.com

محمد عبدالملکی  / استادیار گروه معارف اسلامی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کردستان

عباس رهبری / استادیار گروه آموزش الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان تهران

دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۱ – پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۴

چکیده

کتاب «أخبار الدولة العباسیه» اثری مهم از مؤلفی ناشناخته است که درباره عباسیان نگاشته شده است. ذکر فضایل عبدالله بن عباس، علی بن عبدالله، محمد بن علی و ابراهیم امام موضوعات اصلی این کتاب را تشکیل می‌دهد. این پژوهش درصدد است تا از محتویات کتاب، زمینه، فضا و شرایطی را که انگیزه و هدف مؤلف در تألیف این اثر بوده، بررسی کند. این تحقیق بر این فرضیه استوار است که نفوذ ترکان در دستگاه خلافت عباسی، موجب کاهش اقتدار سیاسی و کاهش حرمت خلفای عباسی در نگاه مردم، به‌ویژه دیوانیان شد. مؤلف این اثر به احتمال قریب به یقین، اثر خود را با انگیزه مشروعیت‌بخشی به خلافت عباسی در اذهان عمومی و به‌ویژه نزد دولت‌های مستقل و نیمه‌مستقل و دیوانیان نگاشته است. او برای دستیابی به این هدف، به نقل و ثبت روایاتی درباره فضایل رهبران و امامان عباسی در دوره دعوت پرداخته است. دلیل اثبات این مدعا نقل روایات منقبتی درباره رهبران عباسی دوره دعوت و خودداری مؤلف از بیان مناقشات درونی داعیان در این دوره است.

کلیدواژه‌ها: خلافت، عباسیان، مشروعیت، سیاست، أخبار الدولة العباسیه، عبدالله بن عباس.

مقدمه

بیشتر متون تاریخی دودمانی، بر اساس اهداف سیاسی نگاشته شده‌اند. در تاریخ سیاسی اسلام، هرگاه خاندانی توانسته است به هر شکل، حکومت پیشین را براندازد و قدرت را به‌دست گیرد، برای کسب مقبولیت و مشروعیت خود، با استفاده از علمای همسو و مورخان وابسته، مشروعیت خود را از طریق بزرگ‌نمایی و فضیلت‌سازی نیاکان خود تقویت کرده است.

خاندان عباسی تا پیش از دستیابی به خلافت، از مقبولیت و مشروعیت کمتری نسبت به امامان شیعه^۱ و علویان برخوردار بودند. علویان پشتوانه‌هایی قرآنی مانند آیه «تطهیر» و احادیثی همچون حدیث «اخوت»، حدیث «منزلت» و حدیث «غدير» داشتند. در مقابل، عباسیان با بهره‌گیری سیاست‌مدارانه از شعار چندپهلوی «الرضا من آل محمد» موفق شدند قبایل، گروه‌ها و افراد ناراضی از امویان را به‌سوی خود جذب کنند و با حمایت آنان، حکومت امویان را سرنگون سازند.

با وجود دستیابی به خلافت، عباسیان در مقایسه با علویان، همواره با مشکل مشروعیت مواجه بودند و برای غلبه بر این چالش، می‌بایست راهکاری برای اثبات حقانیت خود بیابند.

عباسیان که دولت‌شان با حمایت ایرانیان و فرهنگ ایرانی شکل گرفت، از آغاز تأسیس خلافت در سال ۱۳۳ تا ۳۳۲ق (دوره نخست)، علی‌رغم جنبش‌ها و قیام‌های متعدد علویان و غیرعلویان، موفق شدند حکومت را تثبیت کنند. اما پس از آن، با نفوذ ترکان در دستگاه خلافت (۳۳۲-۳۳۴ق، دوره دوم)، شکوه و اقتدار خلافت عباسی دچار زوال شد.

با کاهش قدرت خلفای عباسی، مشروعیت سیاسی آنان مورد تهدید جدی قرار گرفت و رقبای سیاسی و فکری مانند ترکان، امرای آل‌بویه، فاطمیان اسماعیلی و حتی مردمان قلمروشان، خلافت عباسی را به چالش کشیدند. از این‌رو به نظر می‌رسد تواریخ نگاشته‌شده پس از اواسط قرن سوم، در جهت بازسازی نقش ممتاز رهبران عباسی پیش از کسب قدرت، با هدف مشروعیت‌بخشی دینی و سیاسی به خلافت عباسی تدوین شده‌اند.

کتاب *أخبار الدولة العباسیه* یکی از آثار دودمانی - سیاسی است که در دوره ضعف خلافت عباسی، تحت سیطره ترکان و سپس آل‌بویه نگاشته شد. این کتاب، همچون سایر تواریخ همدوره خود، با یادآوری فضایل رهبران عباسی، قلمداد کردن عباسیان به‌عنوان اهل‌بیت پیامبر^ص و برجسته کردن نقش آنان در سقوط امویان، سعی دارد خلافت عباسیان را نزد جامعه و دولتمردان مسلمان آن دوره، معتبر جلوه دهد.

نخستین‌بار کتاب *أخبار الدولة العباسیه* در سال ۱۹۷۱، به‌کوشش عبدالعزیز دوری و عبدالجبار مطلبی در بغداد منتشر شد. چون این کتاب تاکنون به فارسی ترجمه نشده، کمتر مد نظر پژوهشگران ایرانی قرار گرفته است. با این حال، پژوهش‌هایی درباره آن انجام شده که اشاره به آنها خالی از لطف نیست.

یکی از این پژوهش‌ها مقاله‌ای در *دائرة المعارف بزرگ اسلامی* با عنوان «أخبار الدولة العباسیه» به قلم علی بهرامیان است.^۱ این پژوهش به موضوعات اصلی کتاب، منابع، روش نقل روایات و اعتبار تاریخی آن پرداخته است.

۱. علی بهرامیان، مدخل *أخبار الدولة العباسیه*، در: *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*.

پژوهش دیگر مقاله‌ای با عنوان «قرآن و أخبار الدولة العباسیه؛ پژوهشی در بینامتنیت» از زینب ایزدی و مسعود صادقی است در مجله تاریخ و تمدن اسلامی منتشر شده است.^۱ این پژوهش به رابطه کتاب أخبار الدولة العباسیه با قرآن کریم و چرایی استناد فراوان آن به آیات قرآنی پرداخته است. از منظر این پژوهش، استفاده گسترده از آیات قرآنی، تلاشی در جهت اعتباربخشی به خلافت عباسی است.

همچنین مقاله‌ای با عنوان «أخبار الدولة العباسیه و مؤلف آن»، از محمدکاظم رحمتی در کتاب جستارهایی در تاریخ ایران و اسلام منتشر شده است. این پژوهش صرفاً در تلاش برای شناسایی مؤلف کتاب است و همه احتمالات مربوط به مؤلف را بررسی کرده است.^۲

حرف تازه این پژوهش، ضمن بررسی متن أخبار الدولة العباسیه و نشان دادن چگونگی مشروعیت‌سازی برای خلافت عباسی، پرداختن به دلایل و زمینه‌های تاریخی این مشروعیت‌سازی است.

این کتاب که در زمان اقتدار عباسیان (نیمه نخست سده ۴ق) به نگارش درآمده، در جهت قداست‌بخشی به دودمان عباسیان با همه دستاویزهای قرآنی و حدیثی و تاریخی است.

۱. معرفی کتاب

أخبار الدولة العباسیه اثری دودمانی به زبان عربی از مؤلفی ناشناخته است. این کتاب نخستین بار به کوشش عبدالعزیز دوری و عبدالجبار مطلبی در سال ۱۹۷۱ در بغداد منتشر شد.

در مقدمه‌ای که دوری بر این کتاب نوشته، عنوان اصلی آن را «کتاب فيه أخبار العباس و فضائله و مناقبه و فضائل ولده و مناقبه، رضوان الله عليهم أجمعين»^۳ ذکر کرده است. او تاریخ تألیف این اثر را اواسط قرن سوم هجری^۴ و مؤلف احتمالی آن را محمد بن صالح بن مهران، معروف به «ابن نطاح»^۵ دانسته است.

مؤلف مدخل «أخبار الدولة العباسیه» در دائرة المعارف بزرگ اسلامی با این نظر موافق نیست و زمان تألیف این اثر را به احتمال قوی، نیمه نخست سده ۴ق^۶ و بنا به دلایل و مستندات از ابن اعثم کوفی می‌داند.^۷

۱-۱. موضوعات کتاب و تحلیل عنوان آن

تمام محتویات کتاب مربوط به اشخاص و وقایع پیش از تشکیل دولت عباسی است که در سال ۱۳۲ق تشکیل شد.

۱. زینب ایزدی و مسعود صادقی، «قرآن و اخبار الدولة العباسیه: پژوهشی در بینامتنیت»، ص ۴۵-۸۰.

۲. محمدکاظم رحمتی، جستارهایی در تاریخ اسلام و ایران، ص ۶۵-۸۳.

۳. مؤلف مجهول، أخبار الدولة العباسیه و فيه أخبار العباس و ولده، ص ۷.

۴. همان، ص ۱۸.

۵. همان، ۱۵-۱۶.

۶. علی بهرامیان، أخبار الدولة العباسیه، ج ۷، ص ۱۵۳.

۷. همان، ج ۷، ص ۱۵۴.

بدین‌روی عنوان «الدولة العباسیه» درست به نظر نمی‌رسد، مگر آنکه بنا به نظر عبدالعزیز دوری، واژه «دوله»^۱ را به‌معنای دعوت یا دور (جنبش و حرکت) در نظر بگیریم.

کتاب شامل دو بخش است:

بخش نخست با وفات عباس بن عبدالمطلب آغاز می‌شود و با اخبار و روایات تفصیلی درباره فضایل عبدالله بن عباس^۲ و فرزندان او^۳ ادامه می‌یابد. این بخش همچنین انتقال امامت از ابوهاشم به محمد بن علی^۴ را بررسی می‌کند. بخش دوم به آغاز دعوت عباسیان، فعالیت‌های داعیان و ازجمله ابومسلم خراسانی^۵ می‌پردازد. در این بخش، چگونگی شروع قیام و فتح شهرهای مختلف توسط ابومسلم و قحطبه بن شیب^۶ نیز مورد بحث قرار می‌گیرد. این اثر از آن‌رو که نام بسیاری از داعیان و نقبای عباسی^۷ را به‌صورت دقیق آورده، دارای اهمیت بسیاری است.

۲. انگیزه و هدف تألیف

قرون سوم و چهارم هجری دوره ترکیب فرهنگ‌ها و تمدن‌های متنوع تحت سیطره جهان اسلام و شکوفایی تمدن اسلامی است. در این عصر، تاریخ‌نگاری از محدوده نگرش‌های صرفاً عربی که عمدتاً به‌صورت تک‌نگاری بود، فراتر رفت و نگاشتن تواریخ عمومی و سایر موضوعات تاریخی، متناسب با تنوع اقوام، فرهنگ‌ها و گستردگی سرزمین‌های اسلامی رواج یافت. اگرچه برخی موضوعات خاص، همچون فتوح و خراج همچنان مطرح بودند، اما نگاه به این مباحث جامع‌تر شد. برای نمونه، *فتوح البلدان*، تألیف بلاذری تمامی سرزمین‌های اسلامی را شامل می‌شد و نه یک شهر یا منطقه خاص را.

با وجود اینکه تاریخ‌نگاری اسلامی مرحله تک‌نگاری‌های تاریخی را پشت سر گذاشته بود، تک‌نگاری‌های دودمانی - سیاسی آغاز شد. علت این کار، تجزیه یکپارچگی تاریخ سیاسی اسلام در دو تا سه قرن نخست هجری بود. در هر منطقه از جهان اسلام، دولت‌هایی شکل گرفتند که برای بقای خود، نیازمند اثبات مقبولیت و مشروعیت بودند.

از این‌رو تک‌نگاری‌های دودمانی از قرن سوم هجری به بعد در سیر تاریخ‌نگاری سیاسی اسلام پدید آمدند. عباسیان نیز که بخش عمده‌ای از متصرفات خود را از دست داده بودند و قلمرو تحت حاکمیت‌شان روزبه‌روز کوچک‌تر می‌شد، نیازمند اثبات مشروعیت دینی بودند تا مقبولیت و محوریت شرعی خود را به دولت‌های مستقل و نیمه‌مستقل تحمیل کنند. در غیر این صورت، بیم آن می‌رفت که جز نامی از خلافت عباسی بر جای نماند.

۱. مؤلف مجهول، اخبار الدولة العباسیه، ص ۱۸.

۲. همان، ص ۲۵ و ۱۳۳.

۳. همان، ص ۱۹۰ و ۱۳۴.

۴. همان، ص ۷۰-۱۶۰.

۵. همان، ص ۲۵۳-۳۱۰.

۶. همان، ص ۶۶-۳۱۰.

۷. همان، ص ۳۳-۲۱۵.

در چنین شرایطی که اقتدار سیاسی دستگاه خلافت عباسی افول کرده بود و حتی غلامان ترک مسلط بر بغداد، حرمت خلفای عباسی را نادیده می‌گرفتند، مورخانی که بنا به انگیزه‌های دینی و سیاسی به عباسیان گرایش داشتند، اقدام به تألیف آثاری درباره فضایل، مناقب و مفاخر عباسیان کردند تا جایگاه آنان را نزد مردم و دولت‌ها تثبیت کنند. *أخبار الدولة العباسیه* که در اواسط قرن سوم^۱ یا نیمه نخست قرن چهارم هجری^۲ توسط مورخی ناشناخته تألیف شده است، تلاشی در جهت اعاده حیثیت دینی و سیاسی خلفای عباسی پس از سلطه ترکان بر دستگاه خلافت محسوب می‌شود. عنوان اصلی کتاب، *أخبار العباس و فضائله و مناقبه و فضائل ولده و مناقبهم، رضوان الله علیهم أجمعین*^۳، نشان‌دهنده انگیزه مؤلف در زدودن غبار عدم مشروعیت و مقبولیت خلفای عباسی است.

اختصاص نیمی از کتاب به فضایل علمی، دینی و اخلاقی عبدالله بن عباس^۴، علی بن عبدالله^۵، محمد بن علی^۶ و ابراهیم امام^۷ و همچنین انتقال امامت کیسانیه از ابوهاشم به محمد بن علی^۸، تلاشی در یادآوری مناقب عباسیان برای مردم و به‌ویژه دیوانیان بود که دیگر نگاه پیشین را به خلفای عباسی نداشتند.

بخش دیگر کتاب که به اخبار دعوت عباسی^۹ اختصاص دارد، بیانگر تلاش و زحماتی است که داعیان عباسی برای پیروزی قیام عباسیان متحمل شدند. چنین نگرشی تلاش داشت که نزد جامعه و اطرافیان خلیفه، احترام به خلافت عباسی را تثبیت کند و مانع اقدامات مخرب علیه آن شود.

پایان کتاب با ورود ابوالعباس سفاح به کوفه^{۱۰} و خودداری مؤلف از ذکر وقایع اختلاف‌برانگیز پس از آن، انگیزه سیاسی مؤلف را در نگارش این اثر آشکارتر می‌سازد.

بنابراین، خواه مؤلف کتاب - چنان‌که عبدالعزیز دوری پنداشته - محمد بن صالح بن مهران (ابن نطاح)^{۱۱} باشد، یا به نوشته علی بهرامیان، ابومحمد کوفی که در جرجان خطیب بود و این کتاب را برای ابونصر مطرفی، وزیر اسفار بن

۱. همان، ص ۱۸.

۲. علی بهرامیان، *أخبار الدولة العباسیه*، ج ۷، ص ۱۵۳.

۳. مؤلف مجهول، *أخبار الدولة العباسیه*، ص ۷.

۴. همان، ص ۲۵-۱۳۳.

۵. همان، ص ۵۹-۱۳۴.

۶. همان، ص ۱۶۰-۲۳۳.

۷. همان، ص ۳۷۹-۴۰۸.

۸. همان، ص ۷۰-۱۶۵.

۹. همان، ص ۲۷۳-۳۰۹.

۱۰. همان، ص ۴۱۱.

۱۱. همان، ص ۱۵-۱۶.

شیرویه، تألیف کرد تا رابطه دوستی اسفار بن شیرویه با عباسیان^۱ را استوار سازد، هدف از تألیف این اثر، مشروعیت بخشی دینی و سیاسی به خلافت عباسی بوده است.

۳. محتویات کتاب

۳-۱. أخبار و فضایل عبدالله بن عباس

عبدالله بن عباس به سبب جایگاه علمی و ادبی برجسته در تاریخ صدر اسلام، نزد مورخان و اهل حدیث به «حبر الأمة»^۲ شهرت یافت. بیشتر منابعی که درباره او سخن گفته اند، به دانش^۳، تفقه^۴، شعر^۵، تأویل^۶ و تفسیر قرآن^۷ او اشاره کرده و علم او را به دریا^۸ تشبیه نموده اند.

ابن عباس در مناقشات سیاسی پس از رحلت پیامبر ﷺ، موضعی محتاطانه داشت و از نزاع های سیاسی فاصله می گرفت. به همین دلیل، در بسیاری از منابع تاریخی، نقش علمی و تفسیر و تأویل قرآن او برجسته شده است. *أخبار الدولة العباسیه* بخش عمده ای از مطالب خود را به اخبار عبدالله بن عباس^۹ اختصاص داده است. مؤلف روایات متعددی از پیامبر ﷺ درباره ابن عباس نقل کرده است؛^{۱۰} از جمله:

- پیامبر ﷺ درباره او دعا کردند که به تفقه در دین و تأویل دست یابد.^{۱۱}
- پیامبر ﷺ درباره او گفته اند: «اللهم بارک فیه و انشر منه» و «اللهم إني أحبُّ عبدالله بن عباس فأحبّه».^{۱۲}
- آوردن روایات دیگری از پیامبر ﷺ درباره ابن عباس که عواطف مسلمانان را تحت تأثیر قرار می دهد.

۱. علی بهرامیان، أخبار الدولة العباسیه، ج ۷، ص ۱۵۴.

۲. مؤلف مجهول، أخبار الدولة العباسیه، ص ۱۲۸، ۱۳۰ و ۱۳۲؛ احمد بن یحیی بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۴، ص ۲۷؛ محمد بن سعد بن سعد الطیقات الکبری، ج ۵، ص ۲۱۰.

۳. مؤلف مجهول، أخبار الدولة العباسیه، ص ۲۸، ۱۳۰، ۱۳۲؛ احمد بن یحیی بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۴، ص ۲۷-۳۰؛ خیرالدین زرکلی، الأعلام، ج ۴، ص ۹۵؛ علی بن محمد ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، ص ۱۸۷.

۴. مؤلف مجهول، أخبار الدولة العباسیه، ص ۲۶؛ احمد بن یحیی بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۴، ص ۲۷-۳۹.

۵. مؤلف مجهول، أخبار الدولة العباسیه، ص ۷۳.

۶. همان، ص ۲۵-۲۶؛ احمد بن یحیی بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۴، ص ۲۷؛ احمد بن علی مقریزی، إمتاع الأسماع، ص ۱۲ و ۱۵.

۷. احمد بن یحیی بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۴، ص ۳۰؛ یوسف بن عبدالله ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج ۳، ص ۹۳۵؛ احمد بن علی ابن حجر عسقلانی، الإصابة فی تمییز الصحابه، ج ۴، ص ۱۲۶؛ خیرالدین زرکلی، الأعلام، ج ۴، ص ۱۲۶؛ علی بن یوسف قطعی، إنباه الرواة علی أنباه الناحة، ص ۱۲ و ۱۵.

۸. احمد بن یحیی بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۴، ص ۳۳-۳۶؛ یوسف بن عبدالله ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج ۳، ص ۹۳۶؛ ابن حجر عسقلانی، الإصابة فی تمییز الصحابه، ج ۴، ص ۱۲۸.

۹. مؤلف مجهول، أخبار الدولة العباسیه، ص ۲۵-۱۳۳.

۱۰. همان، ص ۲۵-۲۸ و ۱۲۷.

۱۱. همان، ص ۲۵-۲۶.

۱۲. همان، ص ۲۷.

– نقل اشعار مسور بن مخرمه الزهری^۱ و حسان^۲ در مدح ابن عباس؛

– گردآوری گفته‌های پراکنده در مدح ابن عباس.^۳

– در برتری ابن عباس بر معاویه، علاوه بر ذکر مناظرات متعدد میان آن دو، نشان داده شده است که بنی‌هاشم سزاوارتر از بنی‌امیه برای خلافت بودند.^۴

۳-۱-۱. جایگاه علمی ابن عباس

مؤلف کتاب آورده است:

هرقل، پادشاه روم، نامه‌ای به معاویه نوشت و در آن سؤالاتی دربارهٔ دین و کیفیت برخی وقایع طبیعی، مانند قوس قزح، رعد و برق، و مانند آن مطرح کرد. معاویه از ابن عباس خواست که پاسخ دهد و او نیز پاسخ‌هایی دقیق برای هرقل نوشت. قیصر روم پس از خواندن این پاسخ‌ها، به معاویه نوشت: «این مطالب را جز پیامبر ﷺ یا کسی از اهل بیت او نمی‌داند». پس از آن معاویه به ابن عباس گفت: قریش و همهٔ عرب، بلکه امت محمد ﷺ بر تو غیبه می‌خورند.^۵

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا هرقل، به نبوت پیامبر ﷺ اعتقاد داشت که او را آگاه به چنین مسائل پیچیده‌ای می‌دانست؟ بر اساس نگاه دینی هرقل، انتظار می‌رفت که او به‌جای واژهٔ «اهل بیت»، واژهٔ حواری را به کار ببرد، یا دست‌کم از صحابهٔ پیامبر ﷺ سخن بگوید.

به نظر می‌رسد مؤلف با آگاهی از مفهوم عاطفی «اهل بیت پیامبر ﷺ» این اصطلاح را به کار برده است تا ابن عباس را در این جایگاه قرار دهد.

۳-۲-۲. دعای جبرئیل در حق ابن عباس و شباهت کلام او به پیامبر ﷺ

مؤلف/أخبار الدولة العباسیه دعای جبرئیل در حق ابن عباس^۶ و شباهت کلام او به پیامبر ﷺ را از جمله فضایل برجستهٔ او دانسته است. وی برای تأکید بر جایگاه ابن عباس، روایاتی دربارهٔ زیبایی چهره و بلندی قامت او نیز نقل کرده است.^۷

۳-۱-۳. نقش ابن عباس در ماجرای حکمین

مؤلف روایتی را از ماجرای حکمین آورده است که در آن، امیرالمؤمنین ﷺ به ابن عباس می‌گوید: «لله در ابن عباس! إنه لينظر إلى الغيب من ستر رقيق».^۸

۱. همان، ص ۲۶.

۲. همان، ص ۱۲۱.

۳. همان، ص ۲۸، ۳۴، ۳۵، ۳۸، ۴۶، ۶۸، ۱۱۳، ۱۲۷.

۴. همان، ص ۴۲-۸۴.

۵. همان، ص ۶۶-۶۹.

۶. همان، ص ۱۲۷؛ احمد بن یحیی بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۴، ص ۳۶.

۷. مؤلف مجهول، أخبار الدولة العباسیه، ص ۳۴-۳۵.

۸. همان، ص ۳۸؛ احمد بن یحیی بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۴، ص ۳۳-۳۵.

به نظر می‌رسد نقل چنین روایتی از زبان امیرالمؤمنین^{علیه السلام} درباره ابن عباس، تلاشی برای زمینه‌سازی در پاسخ به مناقشات احتمالی آینده بوده است.

همچنین بلاذری، مورخ معاصر مؤلف أخبار الدولة العباسیه، روایتی از عکرمه آورده است که می‌گوید: «ابن عباس به قرآن از علی^{علیه السلام} داناتر است»^۱.

این روایت در فضای فکری و اعتقادی جامعه عصر این دو مورخ، که شیعیان اثناعشری بر فضیلت حضرت علی^{علیه السلام} و حق حکومت او و فرزندان ایشان تأکید داشتند، مطرح شده است.

مؤلف وفات ابن عباس را نیز به کرامات پیوند داده و آورده است: هنگامی که عبدالله بن عباس در طائف وفات یافت، ابن حنفیه بر او درود فرستاد. پرنده‌ای سفید آمد و وارد کفن او شد و تا لحظه دفن از آن خارج نشد تا اینکه آن را همراه او دفن کردند.^۲

۳-۲. أخبار و فضایل علی بن عبدالله

مؤلف ناشناخته کتاب پس از برشمردن اخبار و فضایل ابن عباس، بلافاصله بخشی را با عنوان «أخبار علی بن عبدالله بن عباس»^۳ آغاز می‌کند.

در این بخش، مؤلف صفات و فضایل علی بن عبدالله، جلال، سخاوت و عبادت او را مطرح کرده و همچنین روایاتی را در جهت احیای فضایل پدران خلفای عباسی ارائه داده است.

او تلاش دارد ارتباط توده مردم با علی بن عبدالله را صمیمی و ریشه‌دار نشان دهد. برای نمونه، نقل می‌کند: هرگاه علی بن عبدالله وارد مسجدالحرام می‌شد، مردم به احترام او برمی‌خاستند و گرد او حلقه می‌زدند و او را بزرگ می‌داشتند، به گونه‌ای که اگر می‌نشست آنها نیز می‌نشستند، اگر می‌ایستاد آنها نیز می‌ایستادند، و اگر راه می‌رفت آنها نیز همراه او حرکت می‌کردند. این وضع تا زمانی که علی بن عبدالله از مسجد خارج می‌شد، ادامه داشت.

همچنین مؤلف روایتی را نقل کرده که براساس آن، مردی از قبیله کنانه از جدش روایت کرده است که از حجاز نزد سلیمان بن عبدالملک به شام رفت، اما کمکی از او دریافت نکرد. سپس نزد علی بن عبدالله رفت و او این مرد حجازی را اکرام کرد و به او کمک نمود.

حتی از قول هشام بن عبدالملک نیز مدح و ستایش علی بن عبدالله نقل شده است.^۴ نکته تأمل‌برانگیز دیگر روایتی درباره عبادت فراوان علی بن عبدالله است که بر اساس آن، او از سوی قریش به

۱. مؤلف مجهول، اخبار الدولة العباسیه، ص ۳۳.

۲. همان، ص ۱۳۲-۳۳؛ احمد بن یحیی بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۴، ص ۵۴؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج ۳، ص ۹۳۹؛ ابن حجر عسقلانی، الإصابة فی تمييز الصحابه، ص ۱۳۰؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ الأمم و الملوك، ج ۱۱، ص ۵۲۵؛ محمد بن ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۵، ص ۲۰۶.

۳. مؤلف مجهول، اخبار الدولة العباسیه، ص ۱۳۵.

۴. همان، ص ۴۴-۱۴۰.

لقب «سجاد» (بسیار سجده کننده)^۱ شناخته می‌شد. این روایت با توجه به همزمانی علی بن عبدالله^۲ با علی بن حسین^۳ ملقب به «سجاد»، تردیدهایی را در پذیرش آن ایجاد می‌کند.

مصادره برخی القاب امامان معصوم شیعه^۴ به نفع عباسیان، در چند بخش از این کتاب دیده می‌شود.^۵ به نظر می‌رسد این روایت‌ها، بعداً توسط عباسیان و وابستگان آنان، بر اساس اقتضائات جامعه ساخته شده باشد.

۳-۳. اخبار و فضایل محمد بن علی

مؤلف پس از ذکر فضایل علی بن عبدالله، به اخبار و فضایل محمد بن علی بن عبدالله^۶ می‌پردازد. در این بخش نیز همان قالب تکراری توصیف صفات، علم، فقه و حلم درباره محمد بن علی^۷ دیده می‌شود. تأکید مؤلف بر شخصیت محمد بن علی، بیشتر بر حلم اوست؛ زیرا در فضای اختناق‌آمیز دوره اموی، این ویژگی برای او ضروری به نظر می‌رسید.

در این زمان، بسیاری از نادانان بنی‌امیه در حمیمه، نسبت به محمد بن علی و فرزندش، با کلمات قبیح سخن می‌گفتند و او نیز جز سکوت، پاسخی به آن هجمه‌ها و افتراءات نمی‌داد.^۸

مؤلف محمد بن علی را زیباترین^۹ و گرامی‌ترین مردم می‌داند و ویژگی‌های او را مشابه جدش، عبدالله بن عباس، معرفی می‌کند.^{۱۰}

۴. توجیهات مؤلف به منظور مشروعیت بخشی دینی و سیاسی به عباسیان

۴-۱. قربات با پیامبر^ص

اصطلاح «قربانه» (از ریشه قرب) به معنای نزدیکی خونی و رابطه خویشاوندی است.^{۱۱} قرآن کریم اجر رسالت پیامبر^ص را مودّت خویشاوندان او (ذوی القربی)^{۱۲} معرفی کرده است.

۱. همان، ص ۱۴۵؛ احمد بن یحیی بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۴، ص ۷۰.

۲. سال وفات علی بن حسین^ص را ۹۴ ق گفته‌اند (ر.ک. سیدحسن جعفری، تشیع در مسیر تاریخ، ص ۹۴) و سال وفات محمد بن علی را ۱۱۴ ق گفته‌اند (ر.ک. مؤلف مجهول، أخبار الدولة العباسیه، ص ۲۳۹).

۳. سیدحسن جعفری، تشیع در مسیر تاریخ، ص ۹۴؛ مؤلف مجهول، أخبار الدولة العباسیه، ص ۲۳۹.

۴. مؤلف مجهول، أخبار الدولة العباسیه، ص ۴۶، ۸۱ و ۸۷.

۵. همان، ص ۱۶۰.

۶. همان، ص ۷۳-۱۶۱.

۷. همان، ص ۱۶۴؛ احمد بن یحیی، بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۴، ص ۸۳.

۸. مؤلف مجهول، أخبار الدولة العباسیه، ص ۱۶۱؛ احمد بن یحیی بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۴، ص ۸۵.

۹. مؤلف مجهول، أخبار الدولة العباسیه، ص ۱۶۱.

۱۰. سیدحسن جعفری، تشیع در مسیر تاریخ، ص ۳۱.

۱۱. شوری: ۲۳.

پس از رحلت پیامبر ﷺ، این آیه دستاویز بسیاری از مدعیان حکومت شد. برخی افراد که نسب آنان به پیامبر می‌رسید، یا با ساختن نسب‌نامه‌هایی، خود را از خویشاوندان پیامبر معرفی می‌کردند و از این مفهوم برای تثبیت ادعای خود بهره گرفتند.

در احتجاجات ابن عباس با یزید بن معاویه، در این کتاب بر قرابت پیامبر ﷺ تأکید شده است.^۱

ابن زبیر خطاب به ابن عباس، درباره شایستگی خود برای خلافت می‌گوید: آیا پدرم صحابی رسول خدا ﷺ نبود؟ آیا جد من ابوبکر صدیق نیست که دوست و همراه پیامبر بود؟ آیا خاله من حبیبۀ رسول خدا ﷺ، ام‌المؤمنین، نیست؟ ابن عباس در پاسخ می‌گوید: آنچه تو به آن فخر می‌کنی، من نسبت به آن از تو سزاوارترم.^۲

اهمیت قرابت با پیامبر ﷺ در امر حکومت، چنان برجسته بود که به نظر می‌رسد از منظر بنی‌هاشم، این مفهوم حتی بالاتر از رضایت جماعت قرار داشت.

معاویه به سبب آنکه بنی‌هاشم از او به پیامبر ﷺ نزدیک‌تر بودند، رضایت جماعت را برتر از قرابت می‌دانست و قرابت را تنها یک خصلت از خصلت‌های امامت - و نه خود امامت - معرفی کرده است.^۳

اظهار قرابت محمد بن علی به پیامبر ﷺ نزد هشام بن عبدالملک و غضب هشام از این موضوع، یکی دیگر از مواردی است که مؤلف أخبار الدولة العباسیه به آن اشاره کرده است.^۴

ابوالعباس سفاح نیز در نخستین روز خلافت خود، در خطبه‌ای که ایراد کرد، بر قرابت خویش با پیامبر تأکید نمود^۵ و حتی خود را از اهل بیت پیامبر ﷺ و مصداق آیه «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَ كُم تَطْهِيرًا»^۶ دانست.

۴-۲. در زمره اهل بیت پیامبر ﷺ بودن

واژه «اهل بیت» در فرهنگ اجتماعی عرب، معانی متعددی دارد. این واژه، هم به معنای یک خاندان،^۷ هم به معنای یک خانواده^۸ و هم به مفهوم یک گروه اجتماعی مشخص مانند اهل بیت المملکه (خانواده کشور)^۹ و اهل البیوتات (بزرگان و سران خاندان‌ها)^{۱۰} به کار رفته است.

۱. مؤلف مجهول، أخبار الدولة العباسیه، ص ۸۵.

۲. همان، ص ۹۵-۹۶.

۳. همان، ص ۷۴-۷۵.

۴. همان، ص ۱۷۲.

۵. احمد بن یحیی بلاذری، فتوح البلدان، ج ۴، ص ۱۴۲.

۶. احزاب: ۳۳.

۷. محمد بن ابن‌سعد، الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۴۷۴؛ ج ۲، ص ۸۲.

۸. همان، ص ۵۱۱؛ ج ۲، ص ۱۱۴.

۹. همان، ج ۱، ص ۵۴۱.

۱۰. همان، ج ۱، ص ۵۴۱؛ ج ۲، ص ۶۲.

فرهنگ سیاسی تاریخ اسلام نشان داده است که بهره‌گیری از مفاهیم قرآنی، همچون «ذوی القربی» و «اهل البیت» که سنت و احادیث پیامبر ﷺ تعریف دقیقی از آنها ارائه کرده، در مناقشات سیاسی میان جریان‌های فکری و سیاسی، نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است.

اهل بیت پیامبر ﷺ که طبق نص قرآن، خداوند هرگونه بدی و ناپاکی را از آنان دور کرده است، دستاویز بهره‌جویی سیاسی بنی عباس قرار گرفتند؛ زیرا آنان خود را از اهل بیت پیامبر ﷺ معرفی می‌کردند.

مؤلف أخبار الدولة العباسیه که در تلاش برای احیای جایگاه خلفای عباسی است، از واژه «اهل بیت پیامبر ﷺ» برای مشروعیت‌بخشی به عباسیان بهره گرفته و به نقل روایات و ذکر اشاراتی در این زمینه پرداخته است.^۱

۴-۲-۱. ادعای ابن عباس درباره اهل بیت ﷺ و جایگاه خلافت

ابن عباس در نام‌های به یزید، تمام فرزندان عبدالمطلب را منحصر از اهل بیتی دانست که خداوند هرگونه بدی و ناپاکی را از آنان دور کرده است. او با استناد به این حجت، خود و تمام فرزندان پدرش را در امر خلافت، سزاوارتر از بنی امیه معرفی می‌کرد.^۲ مؤلف أخبار الدولة العباسیه در جایی دیگر، از قول ابن عباس، تعبیر «نحن اهل بیت نبی الله - صلی الله علیه و سلم»^۳ را به کار برده است.

ابن اثیر در أسد الغابه، برای پاسخ به شبهات، روایتی از ابن عباس نقل کرده است که بیان می‌کند: «نحن اهل بیت شجرة النبوه و مختلف الملائکه و اهل بیت الرسالة و اهل بیت الرحمة و معدن العلم».^۴

ابن در حالی است که ابن عباس حسین بن علی علیه السلام را یکی از اصحاب کسا و بیت مطهر می‌دانست.^۵

۴-۲-۲. استفاده عباسیان از مفهوم «اهل بیت» در مشروعیت‌بخشی سیاسی

مؤلف ناشناخته أخبار الدولة العباسیه در گزارش مربوط به الصحیفة الصفراء، از قول ابوهاشم، محمد بن علی را یکی از اهل بیت پیامبر ﷺ معرفی کرده است.

درواقع، عباسیان برای مشروع جلوه دادن وجهه سیاسی خود، استفاده از این واژه قرآنی را به دورهای بعد نیز منتقل کردند.

ابوالعباس سفاح در نخستین روز خلافت، خود را از اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله معرفی کرد، درحالی که پیامبر ﷺ در «حدیث

۱. مؤلف مجهول، أخبار الدولة العباسیه، ص ۴۶، ۸۷، ۱۰۰، ۱۰۹، ۱۸۵ و ۲۰۷.

۲. همان، ص ۸۷-۸۸.

۳. همان، ص ۱۰۹.

۴. علی بن محمد ابن اثیر، أسد الغابة فی معرفة الصحابه، ج ۳، ص ۱۸۷.

۵. ابن قتیبہ دینوری، الامامة و السياسة، ج ۱، ص ۲۰۹.

۶. مؤلف مجهول، أخبار الدولة العباسیه، ص ۱۸۵.

۷. احمد بن یحیی بلاذری، فتوح البلدان، ج ۴، ص ۱۴۲.

کساء^۱ و در ماجرای مباحله^۲، مصادیق اهل بیت را به حضرت فاطمه زهرا، علی، حسن و حسین علیهم السلام منحصر کردند.

۵. پیش‌گویی در باب خلافت عباسیان

مؤلف أخبار الدولة العباسیه به ذکر فضایل ابن عباس و فرزندان او در جهت کسب مقبولیت عمومی اکتفا نکرده، بلکه از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله قبل از آغاز دعوت و قیام عباسیان، خلافت آنان را پیش‌گویی نموده و از این طریق، سعی در بالا بردن جنبه معنوی و مشروعیت‌بخشی به خلافت آنان داشته است. این امر نشان می‌دهد که چنین روایاتی بعدها ساخته و به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت داده شده است.

در وصیتی که ابن عباس به پسرش علی در بستر احتضار کرده، چنین آمده است: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که به جدّ تو (عباس بن عبدالمطلب) می‌گفت که خلافت در میان فرزندان تو، پس از زوال بنی امیه ادامه پیدا می‌کند. آنگاه که امر امت به دست آنها رسید، باید تقوای الهی پیشه کرده، به حق عمل کنند...^۳

ساختگی بودن این روایت در عصر دعوت عباسی که نیازمند شور ایمانی و اطاعت پیروان از رهبران عباسی بود، آشکار است. مؤلف ناشناخته از قول پیامبر صلی الله علیه و آله روایت دیگری نقل می‌کند که فرمودند: «یختم الاسلام بولد عبدالله بن عباس».^۴ پس از آن، پیامبر صلی الله علیه و آله این آیه را تلاوت کردند: «وعد الله الذين آمنوا منكم و عملوا الصالحات ليستخلفنهم فی الأرض».^۵ محمد بن علی هنگام اعزام ابی عکرمه به خراسان، این روایت را از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرد: «فتنه‌ای شما را دربر می‌گیرد که از بین نمی‌رود، مگر آنکه قومی از شرق می‌آیند که لباس و رایات آنان سیاه است و خداوند به واسطه آنان، آن فتنه را خاموش می‌کند و کار امت به دست مردی از عترت من می‌افتد».^۶

به نظر می‌رسد ذکر این حدیث از قول پیامبر صلی الله علیه و آله، هنگام ارسال یک داعی به منطقه اصلی دعوت، یعنی خراسان، بیشتر جنبه شورانگیزی دینی - سیاسی داشته است.

عباسیان که برای دستیابی به خلافت، دست هر گروهی را که به سوی آنان دراز می‌شد، می‌فشرده، طبیعی است که برای نیل به مقصود خود، احادیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله را برای پیشبرد اهداف سیاسی خود تحریف و حتی روایاتی را جعل و به پیامبر نسبت داده باشند.

۱. علی بن محمد ابن اثیر، اسد الغابة فی معرفة الصحابه، ج ۲، ص ۳۹۰؛ احمد بن یحیی بلاذری، فتوح البلدان، ج ۵، ص ۵۲۳؛ محمد بن یوسف شمس شامی، سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد، ج ۱۱، ص ۱۱۳؛ علی بن یوسف قفطی، إنباه الرواة علی أنباه النحاة، ج ۵، ص ۳۸۴.

۲. علی بن یوسف قفطی، إنباه الرواة علی أنباه النحاة، ج ۲، ص ۹۵؛ عبدالملک بن محمد واعظ خرگوشی، اللوامع، ص ۱۴۴؛ محمد بن ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۵، ص ۶۲؛ احمد بن یحیی بلاذری، أنساب الأشراف، ص ۹۵؛ علی بن محمد ابن اثیر، اسد الغابة فی معرفة الصحابه، ج ۷، ص ۳۶۰.

۳. مؤلف مجهول، اخبار الدولة العباسیه، ص ۱۳۰.

۴. همان، ص ۱۸۷.

۵. نور، ص ۵۵.

۶. مؤلف مجهول، اخبار الدولة العباسیه، ص ۲۰۷.

مؤلف در جهت پیش‌گویی قیام و خلافت عباسیان، بی‌آنکه به کسی استناد کند، حتی به رؤیا نیز پناه برده و تأویلاتی را در این زمینه مطرح کرده است.^۱

در *أخبار الدولة العباسیه*، نمونه‌هایی از این پیش‌گویی‌ها آمده است^۲ و ذکر نام سه خلیفه نخست عباسی از قول ابن عباس^۳، ساختگی بودن آنها را به‌خوبی آشکار می‌کند.

۶. امامت

«امامت» همواره یکی از مهم‌ترین موضوعات مطرح در اندیشه سیاسی فرق اسلامی بوده است. اهمیت این موضوع از آنجاست که بهانه عامل اصلی ایجاد اختلاف میان مسلمانان و فرق و مذاهب بوده است.

صاحب *أخبار الدولة العباسیه* پس از ذکر مفصل فضایل محمد بن علی، عنوانی را با نام «أخبار الإمامه» آورده است. ذیل این عنوان، مؤلف تفویض امامت را از ابوهاشم عبدالله به محمد بن علی^۴ بیان می‌کند. درواقع، پس از این انتقال، «امامت» محور عقیده و تبلیغات داعیان عباسی قرار گرفت. شعار «الرضا من آل محمد»^۵ بر امامت در مسیر قیام عباسی تأکید دارد.

با روی کار آمدن محمد بن علی، مؤلف از او به‌عنوان «الإمام» یاد کرده و ویژگی‌های او را در احراز امامت، طی روایتی چنین آورده است: حسن هیأت، فقاقت، ورع، زهد و طهارت سبب شده است حقوق امامت و فضل اهل بیت در او جمع شود.^۶ البته مؤلف قبل از آنکه تفویض رسمی امامت را از ابوهاشم به محمد بن علی بیان کند، این امر را از عباس، عموی پیامبر ﷺ آغاز می‌کند و به فرزندان او تا خلفای عباسی^۷ می‌رساند.

شاید به همین علت است که روایتی را از پیامبر ﷺ نقل کرده که در حق ابن عباس چنین دعا کرده است: «خدا یا! او و ذریه‌اش را از شیطان رانده‌شده دور بدار».^۸

عباسیان برای آنکه امامت را از علویان به خود منتقل کنند، روایتی تأمل‌برانگیز ساخته‌اند:

پس از وفات ابن عباس، گروهی از بنی‌هاشم نزد علی بن حسین علیه السلام رفتند و از او خواستند که از مدینه خارج شود. او نیز

۱. همان، ص ۱۳۸.

۲. همان، ص ۱۶۹-۱۷۰ و ۱۹۹.

۳. همان، ص ۲۹.

۴. همان، ص ۷۰-۱۶۵.

۵. همان، ص ۱۹۴-۲۰۴؛ مطهر بن طاهر مقدسی، البدء و التاریخ، ج ۶، ص ۶۲؛ عبدالرحمن بن محمد ابن‌خلدون، دیوان المبتدأ و الخبر فی تاریخ العرب و البربر، ج ۳، ص ۱۵۲؛ محمد بن احمد ذهبی، تاریخ الإسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، ج ۸، ص ۳۳۶؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ الامم و الملوك، ج ۷، ص ۳۹۰؛ ابن‌مسکویه رازی، تجارب الامم و تعاقب الهمم، ج ۳، ص ۲۹۳.

۶. مؤلف مجهول، اخبار الدولة العباسیه، ص ۱۶۵-۶۶.

۷. همان، ص ۱۶۵.

۸. همان، ص ۲۶.

در پاسخ آنان فرمود: آیا می‌خواهید مرا از قبر و مسجد رسول خدا ﷺ، که نماز در آن برابر هزار رکعت نماز است، جدا کنید؟ سپس آنها همراه علی بن عبدالله به «حمیمه»، یکی از روستاهای میان شام و مدینه، رفتند و در آنجا ساکن شدند.^۱ به نظر می‌رسد اولاً، این روایتِ اتمام حجت عباسیان با شیعیان، در دورانی ساخته شده باشد که شعار مبهم «الرضا من آل محمد» مصداق عینی خود را در این گروه یافته بود. ثانیاً، سخنی که از علی بن حسین علیه السلام نقل شده، منطبق با اندیشه صوفی و زاهدی است که اسلام را صرفاً در عبادات و ظواهر آن می‌بیند.

ثالثاً، حتی اگر این روایت درست باشد، همین همراهی نکردن آنان با علی بن حسین علیه السلام، انحراف آنها را از مسیر امامت امامان معصوم علیهم السلام نشان می‌دهد.

البته ویژگی‌های امامت مد نظر عباسیان با امامت در فرق دیگر، از جمله شیعیان اثناعشری، تفاوت‌های اساسی دارد. برخی رضایت عامه و مشورت خاصه^۲ را در انتخاب امام ملاک قرار می‌دهند و برخی دیگر عصیان علیه امام فاسق را واجب^۳ می‌دانند.

نتیجه‌گیری

کتاب *أخبار الدولة العباسیه* از جمله تواریخ دودمانی - سیاسی است که در اواسط قرن سوم هجری و یا به احتمالی دیگر، در نیمه نخست قرن چهارم هجری توسط مؤلفی ناشناس نگاشته شده است.

با توجه به اینکه زمان نگارش این اثر عصر تسلط ترکان بر دستگاه خلافت عباسی بوده، اقتدار سیاسی و استقلال عملی خلفای عباسی تا حد زیادی کاهش یافته بود. در چنین شرایطی، مورخانی که به‌نوعی وابستگی سیاسی و مذهبی به خلفای عباسی داشتند، کوشیدند تا با روش‌های خاص خود، حرمت و اقتدار آنان را احیا کنند. این مورخان توجه و تأکید خاصی بر نیای خلفای عباسی که برجسته‌ترین آنان عبدالله بن عباس بود، داشتند.

ذکر فضایل ابن عباس و نشان دادن برتری فکری و علمی او بر صحابه دیگر، به‌ویژه کسانی که در صحنه سیاسی صدر اسلام مدعی حکومت شدند، از کلیدی‌ترین مسائلی است که در این کتاب بر آن تأکید شده است. نمایاندن فضایل فرزندان ابن عباس، به‌ویژه کسانی که در دعوت عباسی نقش مهمی داشتند، نیز در این کتاب قابل تأمل است.

به نظر می‌رسد مؤلف *أخبار الدولة العباسیه* در مسیر ارائه فضایل عباسیان، روایت‌های ساختگی متعددی را ذکر کرده باشد. پایان کتاب با آغاز خلافت ابوالعباس سفاح، نخستین خلیفه عباسیان، این اندیشه را که هدف *أخبار الدولة العباسیه* صرفاً مشروعیت‌بخشی به عباسیان است، بیشتر تقویت می‌کند.

۱. همان، ص ۱۰۷-۱۰۸.

۲. همان، ص ۵۱.

۳. همان، ص ۳۹.

منابع

قرآن کریم.

- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، *الاستیعاب فی معرفة الأصحاب*، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۲ق.
- ابن اثیر جزری، علی بن محمد، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۷ق.
- ابن اثیر جزری، علی بن محمد، *اسد الغابة فی معرفة الصحابه*، تهران، المكتبة الاسلامیه للنشر و التوزیع، بی تا.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، *الإصابة فی تمییز الصحابه*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، *دیوان المبتدأ و الخبر فی تاریخ العرب و المعجم و البربر*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۸ق.
- ابن سعد، محمد بن سعد الهاشمی، *الطبقات الکبری*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق.
- ابن مسکویه رازی، احمد بن محمد، *تجارب الامم و تعاقب الهمم*، تهران، سروش، ۱۳۷۹.
- ایزدی، زینب و صادقی، مسعود، «قرآن و اخبار الدولة العباسیه: پژوهشی در بینامتنیت»، ۱۴۰۰، *تاریخ و تمدن اسلامی*، ۳۴ (۱۷) ص ۴۵-۸۰.
- بلاذری، احمد بن یحیی، *أنساب الأشراف*، بیروت، المعهد الألماني للابحاث الشرقیة، ۱۴۳۰ق.
- بلاذری، احمد بن یحیی، *فتوح البلدان*، بیروت، دار و مكتبة الهلال، ۱۹۸۸.
- بهرامیان، علی، *أخبار الدولة العباسیه*، در: *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۷.
- جعفری، سیدحسن، *تشیع در مسیر تاریخ*، ترجمه محمدتقی آیت اللهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.
- دینوری، ابن قتیبه، *الامامة و السیاسة*، بیروت، دارالاضواء، ۱۹۹۰.
- ذهبی، محمد بن احمد، *تاریخ الإسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام*، بیروت، دار الكتاب العربی، ۱۴۰۹ق.
- رحمتی، محمدکاظم، *جستارهایی در تاریخ اسلام و ایران*، تهران، بصیرت، ۱۳۹۰.
- زرکلی، خیرالدین، *الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین*، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۸۹.
- شمس شامی، محمد بن یوسف، *سبل الهدی و الرشاد فی سیرة خیر العباد*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق.
- طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الأمم و الملوک*، بیروت، دارالتراث، ۱۳۸۷.
- قفطی، علی بن یوسف، *إنباه الرواة علی أنباه النحاة*، بیروت، المكتبة العصریه، ۱۴۲۴ق.
- مقدسی، مطهر بن طاهر، *البدء و التاریخ*، مصر، مكتبة الثقافة الدینیة، ۱۹۶۶.
- مقریزی، احمد بن علی، *إمتاع الأسماع بما للنبی من الأحوال و الأموال و الحفدة و المتاع*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق.
- مؤلف مجهول، *اخبار الدولة العباسیه و فیه أخبار العباس و ولده*، بیروت، دار الطلیعة للطباعة و النشر، ۱۹۷۱.
- واعظ خرگوشی، عبدالملک بن محمد، *اللوامع و اتیکان*، بی تا، بی تا.